

## سوسیالیسم و مذهب

### ولادیمیر ایلیچ لنین

### ترجمه بابک کسرای

مقدمه مترجم:

اهمیت بسیار مساله مذهب برای انقلاب ایران و مارکسیست‌های ایران نیازی به توضیح ندارد. همچنین بدیهی است که ۳۰ سال حاکمیت استبداد مذهبی، که به نوع خود در تاریخ معاصر بینظیر است، بر اهمیت این مساله می‌افزاید.

مقاله‌ی کوتاه حاضر را ولادیمیر لنین در بحبوحه‌ی انقلاب ۱۹۰۵ نوشت؛ انقلابی که با تظاهرات میلیونی توده‌های روسیه شروع شد که عکس "مریم مقدس" را در دست خود داشتند. این مقاله به مورخ ۳ دسامبر ۱۹۰۵ در نشریه‌ی "نویا ژیزن" (زندگی نو) منتشر شد که اولین نشریه‌ی قانونی حزب کارگران سوسیال دموکرات روسیه بود و در چند ماه آخر سال ۱۹۰۵ در تسلط بلشویک‌ها بود. ترجمه‌ی فارسی حاضر از روی نسخه‌ی انگلیسی "مجموعه آثار لنین" چاپ پروگرس مسکو (۱۹۶۵) انجام شده است که توسط "آرشیو اینترنتی مارکسیست‌ها" (Marxists.org) بازتکثیر شده بود.

برخورد مارکسیستی لنین در این مقاله به مساله‌ی مذهب می‌تواند یارای مهمی برای مارکسیست‌ها و کمونیست‌های ایران باشد و ناصحیح بودن بسیاری از گرایش‌های رایج در چپ را عیان‌تر از پیش سازد. اما نباید فراموش کنیم که علیرغم شباهت‌های بسیار روسیه اوایل قرن بیستم با ایران اوایل قرن بیست و یکم، شرایط کنونی و انقلاب حاضر در ایران چالش‌های بزرگی را پیش‌رویمان می‌گذارد که حل آنها نیاز به تحلیل‌های مارکسیستی نوین و مشخص دارد.

۲۶ دسامبر ۲۰۰۹

×××

جامعه‌ی کنونی به کلی بر پایه‌ی استثمار توده‌های وسیع طبقه‌ی کارگر به دست اقلیتی کوچک، یعنی طبقه‌ی زمین‌داران و طبقه‌ی سرمایه‌داران، بنا شده است. این جامعه‌ی برده‌داری است چرا که کارگران "آزاد" که تمام عمرشان برای سرمایه‌داران کار می‌کنند تنها تا جایی "حق دریافت" وسایل امرار معاش را دارند که برای حفظ بردگانی که سود تولید می‌کنند و برای حفظ و دوام بردگی سرمایه‌داری ضروری باشد.

سرکوب اقتصادی کارگران لاجرم تمام انواع سرکوب سیاسی و تحقیر اجتماعی را پیش می‌کشد و تولید می‌کند و زندگی معنوی و اخلاقی توده‌ها را زوال می‌بخشد و تیره و تار می‌کند. کارگران شاید بتوانند درجه‌ی بیشتر یا کمتری از آزادی سیاسی برای مبارزه در راه رهایی اقتصادی خود به دست آورند اما هیچ میزان آزادی آنها را از شر فقر، بیکاری و سرکوب رها نمی‌کند تا وقتی که قدرت سرمایه سرنگون شود. مذهب یکی از انواع سرکوب معنوی است که همه‌جا بر دوش توده‌های مردم، که زیر بار کار دائمی برای

دیگران و زیر بار نیاز و انزوا هستند، سنگینی می‌کند. ناتوانی طبقات استثمارشونده در مبارزه‌شان علیه استثمارگران همانطور به باور به زندگی بهتری پس از مرگ می‌انجامد که ناتوانی وحوش در نبردشان با طبیعت لاجرم باعث باور به خداها، شیاطین، معجزات و امثالهم می‌شود. مذهب به آنان که تمام عمرشان را زحمت می‌کشند و در نیاز زندگی می‌کنند می‌آموزد که تا وقتی در زمین هستند، تسلیم شوند و صبور باشند و به امید پادشاه‌های بهشتی آسایش بیابند. و همین مذهب به کسانی که از طریق کار دیگران زندگی می‌کنند می‌آموزد که هنگام زندگی در زمین به امور خیریه مشغول شوند و اینگونه راه بسیار ارزانی در اختیارشان می‌گذارد تا کل موجودیت‌شان به عنوان استثمارگر توجیه شود و بلیت خوشی در بهشت را به قیمتی منصفانه خریداری کنند. مذهب افیون توده‌ها است. مذهب نوعی مخدر معنوی است که در آن برده‌های سرمایه تصویر انسانی خود را غرق می‌کنند و خواست خود برای زندگی‌ای که بیشتر شایسته‌ی انسان باشد کنار می‌گذارند.

اما برده‌ای که به بردگی خود آگاه شده و به مبارزه برای رهایی خود بر پا خواسته است به نیمی از بردگی خود خاتمه داده. کارگر معاصر آگاهی طبقاتی دارد و با صنعت کارخانه‌های عظیم، بزرگ شده و در زندگی شهری، روشن شده؛ او تعصبات مذهبی را با تحقیر کنار می‌گذارد، بهشت را به کشیشان و خشک‌مقدسان بورژوا وا می‌گذارد و خود تلاش می‌کند به زندگی بهتری همین‌جا روی زمین دست یابد. پرولتاریای امروز سمت سوسیالیسم را می‌گیرد که علم را در نبرد مقابل مذهب به کار می‌گیرد و کارگران را اینگونه از باور به زندگی پس از مرگ آزاد می‌کند که آن‌ها را برای مبارزه در زمان حال برای زندگی بهتر روی کره‌ی زمین گرد هم می‌آورد.

مذهب را باید امر خصوصی اعلام کرد. سوسیالیست‌ها معمولاً رویکرد خود به مذهب را اینگونه بیان می‌کنند. اما باید معنای این کلمات را دقیقاً تعریف کرد تا از هر سوتفاهمی جلوگیری شود. خواست ما این است که مذهب تا جایی که به دولت مربوط است امر خصوصی باشد. اما تا جایی که به حزب ما برمی‌گردد ما به هیچ وجه مذهب را امری خصوصی نمی‌دانیم. مذهب نباید ربطی به دولت داشته باشد و نهادهای مذهبی نباید هیچ ارتباطی با قدرت دولتی داشته باشند. همه باید کاملاً در ابراز هر مذهبی که دوست دارند آزاد باشند و یا در داشتن هیچ مذهبی یعنی آتئیست بودن که تمام سوسیالیست‌ها بنا به قاعده هستند. تبعیض بین شهروندان بر اساس عقاید مذهبی‌شان به کلی غیرقابل تحمل است. شکی نیست که حتی نفس اشاره به مذهب شهروندان در اسناد رسمی باید حذف شود. هیچ یارانه‌ای نباید به دستگاه کلیسا داده شود و هیچ کمک دولتی نباید نصیب نهادهای روحانی و مذهبی شود. این‌ها باید به انجمن‌های کاملاً آزاد شهروندان متشابه‌الفکر بدل شوند، انجمن‌هایی مستقل از دولت. تنها تحقق کامل این خواسته‌ها می‌تواند پایانی به گذشته‌ی شرم‌آور و ننگین باشد که در آن کلیسا متکی فئودال دولت بود و شهروندان روسیه متکی فئودال دستگاه کلیسا و قوانین قرون وسطایی و تفتیش عقاید (که تا همین امروز هم در قوانین جزایی و قوانین جاری ما هستند) موجود بودند و به کار بسته می‌شدند، انسان‌ها بخاطر عقیده یا عدم عقیده تعقیب می‌شدند، وجدان انسان‌ها زیر پا گذاشته می‌شد و شغل‌های چرب و نرم دولتی و درآمدهای حاصل از دولت به اقدامات دستگاه کلیسا بستگی داشت. تفکیک کامل کلیسا و دولت خواست پرولتاریای سوسیالیست از دولت مدرن و کلیسای مدرن است.

انقلاب روسیه باید این خواسته را به عنوان جز لازم آزادی سیاسی در دستور بگذارد. انقلاب روسیه از این لحاظ در موقعیت مشخصا مطلوبی قرار دارد چرا که مقامپرستی شنیع اشرافیت فئودال پلیسزده نارضایتی، ناآرامی و اعتراضات را حتی به درون روحانیون هم کشانده است. روحانیون ارتدوکس روسیه هر چقدر ابله و نادان که بوده باشند، امروز حتی آنها هم با طوفان سقوط نظم کهن و قرون وسطایی در روسیه از خواب برخاسته‌اند. حتی آنها نیز به خواست آزادی می‌پیوندند و علیه اعمال بوروکراتیک و مقامپرستی و علیه جاسوسی برای پلیس که به "خادمان خدا" تحمیل می‌شود اعتراض می‌کنند. ما سوسیالیست‌ها باید از این جنبش حمایت کنیم، خواسته‌های اعضای صادق و بی‌ریای روحانیت را تا نتیجه‌شان دنبال کنیم و آنها را واداریم به کلام خود در مورد آزادی پایدار بمانند و خواستار آن شویم که به تمام روابط بین مذهب و پلیس پایانی قطعی ببخشند. شما یا صادق هستید که در اینصورت باید خواهان جدایی کامل کلیسا و دولت و مدرسه و دولت باشید و خواهان این‌که مذهب به کلی و تماما امری خصوصی اعلام شود. یا این خواست‌های پیگیر برای آزادی را نمی‌پذیرید که در این صورت به وضوح هنوز اسیر سنت‌های تفتیش عقاید هستید، که در این صورت به وضوح همچنان به شغل‌های دولتی چرب و نرم خود و درآمدهای دولتی خود چنگ می‌اندازید، که در اینصورت به وضوح به قدرت معنوی سلاح خود باور ندارید و همچنان از دولت رشوه می‌گیرید. و در این صورت کارگران آگاه طبقاتی تمام روسیه جنگی بی‌بخشش علیه‌تان اعلام می‌کنند.

تا جایی که به حزب پرولتاریای سوسیالیست مربوط است، مذهب امری خصوصی نیست. حزب ما کانونی از مبارزین آگاه طبقاتی و پیشرفته است که برای رهایی طبقه‌ی کارگر می‌جنگند. چنین کانونی نمی‌تواند و نباید به فقدان آگاهی طبقاتی، نادانی یا تاریک‌اندیشی به شکل باورهای مذهبی بی‌تفاوت باشد. ما خواهان خلع کامل کلیسا هستیم تا بتوانیم تنها و تنها با سلاح‌های ایدئولوژیک به نبرد مه مذهب برویم؛ به وسیله‌ی نشریاتمان و ترویج افکارمان. اما ما کانون خود، حزب کارگران سوسیال دموکرات روسیه، را دقیقا برای چنین مبارزه‌ای علیه هرگونه فریب کارگران بنیان گذاشته‌ایم. و برای ما مبارزه‌ی ایدئولوژیک امری خصوصی نیست بلکه امر کل حزب است و امر کل پرولتاریا.

اگر چنین است چرا در برنامه‌مان اعلام نمی‌کنیم که آتئیست هستیم؟ چرا مسیحیان و سایر مومنان به خدا را از پیوستن به حزبمان منع نمی‌کنیم؟

پاسخ به این سوال کمک بسیاری به توضیح تفاوت بسیار مهم در شیوه‌ی برخورد بورژوا دموکرات‌ها و سوسیال دموکرات‌ها به مسئله مذهب می‌کند.

برنامه ما به کلی بر پایه‌ی جهان‌بینی علمی و در ضمن ماتریالیستی بنا شده است. توضیح برنامه‌ی ما بدین سان ضرورتا شامل توضیح ریشه‌های تاریخی و اقتصادی حقیقی مه مذهب می‌شود. ترویجات ما ضرورتا شامل تروجیات آتئیستی می‌شود؛ انتشار ادبیات مربوطه‌ی علمی که دولت فئودال اشراف‌سالار تا بحال ممنوع کرده و مورد تعقیب قرار داده اکنون باید یکی از زمینه‌های کار حزبی ما باشد. احتمالا ما اکنون باید به آن پیشنهادی عمل کنیم که انگلس روزی به سوسیالیست‌های آلمان داد؛ ترجمه و انتشار وسیع ادبیات روشنگران و آتئیست‌های فرانسه در قرن هجدهم.

اما تحت هیچ شرایطی ما نباید این خطا را مرتکب شویم که مسئله مذهب را به شیوه‌ای انتزاعی و ایده‌آلیستی مطرح کنیم؛ یعنی به عنوان مسئله‌ای "فکری" نامرتبط با مبارزه طبقاتی، چنانکه رادیکال دموکرات‌های بورژوازی اغلب می‌کنند. این تصور که در جامعه‌ای

که بر پایه‌ی سرکوب بی‌پایان و تقلیل شرایط توده‌های کارگر بنا شده است، تعصبات مذهبی را با شیوه‌های صرفاً ترویجی می‌توان کنار زد ابلهانه است. فراموش کردن این‌که یوغ مذهب بر دوش بشریت تنها محصول و انعکاس یوغ اقتصاد درون جامعه است، تنگ‌نظری بورژوازی است. هر چقدر جزوه چاپ کنیم و موعظه کنیم، پرولتاریا را نمی‌توان روشن ساخت مگر با مبارزه خودش علیه نیروهای سیاه سرمایه‌داری، روشن شود.

وحدت در این مبارزه‌ی واقعا انقلابی طبقه‌ی سرکوب‌شده برای ایجاد بهشتی روی زمین برای ما مهمتر از وحدت نظر پرولتاریا در مورد بهشتی در آسمان‌ها است.

به همین دلیل است که ما آتئیسم خود را در برنامه‌مان نمی‌گذاریم و نباید بگذاریم؛ به همین علت است که ما پرولترهایی که هنوز بار تعصبات قدیم را به دوش دارند از پیوستن به حزب‌مان منع نمی‌کنیم و نباید بکنیم. ما همیشه جهان‌بینی علمی را تبلیغ می‌کنیم و برای ما مبارزه با جهلیات "مسیحی‌ها"ی مختلف ضروری است. اما این به هیچ وجه به این معنی نیست که مسئله مذهب را باید در صدر کارها قرار داد چرا که اصلا جایش آن‌جا نیست؛ و به این معنی هم نیست که ما باید اجازه دهیم بین نیروهای واقعا انقلابی مبارزه‌ی اقتصادی و سیاسی بر اساس نظرات درجه سوم یا عقاید نامربوطی شکاف بیافتد که خود به سرعت تمام اهمیت سیاسی خود را از دست می‌دهند و به سرعت دقیقا به دست روند تحول اقتصادی چون زباله‌ی جارو می‌شوند.

بورژوازی ارتجاعی همه جا خود را مشغول دامن زدن به تخاصمات مذهبی ساخته است و اکنون در روسیه هم شروع به همین کار کرده است - با این هدف که اینگونه توجه توده‌ها را از مسائل واقعا مهم و بنیادین اقتصادی و سیاسی که اکنون در عمل به دست وحدت پرولتاریای تمام روسیه در مبارزه‌ی انقلابی حل می‌شود، منحرف کنند. این سیاست ارتجاعی شکاف انداختن بین نیروهای پرولتاریا که امروز خود را بیشتر در قتل عام‌های "صدتایی‌های سیاه" (۱) نشان می‌دهد در آینده شاید شکل‌های ظریف‌تری به خود بگیرد. ما به هر روی با آرامش، دوام و صبر به مقابله‌ی آن می‌رویم و همبستگی پرولتری و جهان‌بینی علمی را تبلیغ می‌کنیم - تبلیغی که دامن زدن به تفاوت‌های فرعی با آن بیگانه است.

پرولتاریای انقلابی موفق می‌شود مذهب را، تا جایی که به دولت برمی‌گردد، به امری واقعا خصوصی بدل کند. و در این نظام سیاسی، عاری از خزعبلات قرون وسطایی، پرولتاریا مبارزه‌ای وسیع و علنی برای حذف بردگی اقتصادی به راه می‌اندازد که منبع واقعی فریب مذهبی نوع بشر است.

توضیحات مترجم:

(۱) "صدتایی‌های سیاه" (چورنایا سوتنیا، در انگلیسی: The Black Hundreds) جنبشی ضدانقلابی بود که رژیم تزار در اوایل قرن علیه انقلابیون به راه انداخت. این جنبش به ناسیونالیسم و خارجی‌ستیزی افراطی و از جمله کشتار یهودیان و اکراین‌ها و سایر اقلیت‌ها معروف بود.